

## تأثیر بخل و انفاق بر عاقبت بخیری و شقاوت انسان در دنیا و آخرت

ملیحه گمار<sup>۱</sup>

### چکیده

بخل و انفاق از جمله اموری است که در اسلام بسیار به آن توجه شده است که از بخل دروی و به شدت مذمت شده و در مقابل به انفاق بسیار سفارش شده است زیرا امر بسیار مهمی است و امروزه در بخش های جامعه به این موضوع کمتر توجه شده و بیشتر افراد به دنبال آسایش خود هستند و از دیگران غافلند به همین دلیل این مقاله از نوع کاربردی به دنبال بیان عواقب بخل از جمله: تباهی دین و دنیا، نفاق و دوزخی شدن زندگی فقیرانه، تخریب رابطه ی انسان با خداوند و... است و با دادن راهکارها به درمان بخل پرداخته و در مقابل به دلیل اهمیت انفاق برای جامعه اسلامی به تاثیرات انفاق از جمله: آرامش درونی، آمرزش گناهان، برکت، طول عمر، رفع فقر و ... پرداخته است هدف این مقاله تشویق جامعه اسلامی به سوی انفاق و دوری از بخل است که به روش توصیفی تحلیلی درصدد پاسخ به این سوال است که تاثیر بخل و انفاق بر شقاوت و عاقبت به خیری انسان در هر دو جهان به چه عواملی بستگی دارد؟

کلید واژه: انفاق ، بخل ، عاقبت بخیری ، شقاوت

---

<sup>۱</sup> - طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه کوثر تویسرکان

## مقدمه

بی تردید نعمت‌های خداوند بزرگ در جهان غیر قابل شمارش است که به بندگان خود عطا فرموده است. اما برخی از افراد به دلیل بخل و حسادت از صرف این نعمت‌های خدادادی برای دیگر بندگان خدا و انفاق کردن ممانعت می‌کنند که خداوند در قرآن انسان بخیل را مورد سرزنش قرار داده و افرادی نیز هستند که این نعمت‌ها را بین بقیه تقسیم می‌کنند که خداوند بسیار به آن تشویق نموده و در مقابل این عمل آنها چه را انفاق می‌کنند چندین برابرش را به آنها برمی‌گرداند. خداوند برای افراد بخیل عاقبت و سرنوشت شومی هم در دنیا و هم در آخرت قرار داده است که موجب هلاکت آنها می‌شود و افراد بخیل بیش از همه به خود ظلم می‌کنند اما شخص انفاق کننده با انفاق خود سعادت خود را در دو جهان تضمین می‌کند. حال با وجود اهمیت دوری از بخل و سفارش انفاق این سوال مطرح می‌شود که چرا بخل عامل شقاوت و انفاق عامل سعادت انسان در هر دو جهان می‌شود؟

ضرورت تحقیق در مورد تاثیر بخل و انفاق بر عاقبت به خیری و شقاوت انسان در دنیا و آخرت ضمن دو مورد بیان می‌شود:

### ۱- عواقب بخل بر شقاوت انسان در دنیا و آخرت

### ۲- تاثیر انفاق بر عاقبت به خیری انسان در دنیا و آخرت

هدف از نگارش این تحقیق اهمیت دادن به مسئله بخل و عواقب آن و روی آوردن به انفاق و تاثیر بر شقاوت سعادت انسان در هر دو جهان است. هرچند مطلب در مورد بخل و انفاق زیاد است اما کمتر هر دو را به طور کامل مورد بررسی قرار داده‌اند که در این مقاله تلاش به عمل آمده بخل و انفاق هر دو به طور دقیق بررسی و با آیه‌های قرآن کریم آن را اثبات کند.

## ۱\_ معنای لغوی و اصطلاحی بخل

بخل به معنای خودداری از حقوق واجب به ویژه زکات داشته شده است (طباطبایی، المیزان، ص ۳۴۲) هر چیزی که به مردم نفع برساند و شخص از بخشیدن آن خودداری کند مصداق بخل خواهد بود (طوسی، التبیان، ج ۳، ص ۱۹۶)

بخل به معنای خودداری از خرج کردن و بخشیدن است در شرایطی که عقل بخشیدن را پسندیده بداند بخل یکی از رذایل اخلاقی است که انسان را از خرج کردن آنچه که در تحت اختیار اوست منع می‌کند خواه از حقوق الهی باشد مانند زکات خمس و صرف مال در حج واجب یا از حقوق واجب مردم مانند نفقه‌های واجب صله رحم دیدنی که وقت پرداخته آن رسیده و یا از امور با فضیلت باشد مانند صدقه انفاق برای خویشاوندان و همسایگان دستگیری و کمک به فقرا. (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۴۳۸)

## ۲\_ معنای لغوی و اصطلاحی انفاق

انفاق از ریشه (ن،ف،ق) است که به گفته راغب در مقررات به معنای کم شدن است. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۵۰۲)

انفاق در لغت به معنای اخراج بخشی از مال از ملک است. (طبرسی، مجمع البیان، ص ۱۲۱)

انفاق در قرآن و کتب اسلامی به معنی بخشیدن مال به فقیران برای کسب رضای خدا است. و در نزد عارفان به (معنای) منزله کمال بخشش است. (سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۱، ص ۳۲۳)

«بخل از جمله عواملی است که عامل شقاوت در آخرت و خشم خداوند بزرگ است. بلکه زندگی دنیوی انسان را نیز به شقاوت و بدبختی می‌کشد، برای آگاه شدن از عواقب بخل در هر دو جهان به چند نمونه از تاثیرات آن پرداخته خواهد شد.»

عواقب بخل و تاثیرات آن بر شقاوت انسان در دنیا و آخرت عبارتند از:

### ۱- عامل تباهی دین و دنیا

توان رهایی از بخل را عامل فلاح و رستگاری می‌داند و بخل را عامل تباهی دین و دنیای انسان به شمار می‌آورد. (جدیدی، کشف الاسرار وعده الابرار، ص ۷۳۰)

حال به داستانی پرداخته خواهد شد که عواقب انسان بخیل است که دین و دنیایش به سبب بخل تباه خواهد شد.

آورده‌اند که روزی و خیلی با عیال طعام می‌خورد سائلی بر درآمد زن خواست سائل را طعام دهد از شوهرش می‌ترسید به بهانه‌ای به در خانه آمد و نیمه نانی در زیر جامه گرفت و به سائل داد شوهر خبر یافت وی را طلاق داد روزگاری آمد و زن شوهر دیگری را اختیار کرد روزی با این شوهر طعام می‌خورد. سالی دیگر بر درآمد خواست که وی را طعام دهد مبدا این شوهر خوی شوهر پیش را داشته باشد از وی دستوری خواست و شوهر گفت: همچنین سفره طعام را بردار و به وی ده زن طعام را برداشت و در سرای باز کرد. شوهر پیش خود را دید فریادی از آن زن برآمد شوهرش از خانه بیرون دوید که تو را چه شده؟ گفت: این سائلی که می‌بینی شوهر من بود و مال بسیار داشت اما بخل زیادی داشت به سبب بخل مالش را از دست داده و محتاج خلق شده است. که به درب خانه شما آمد که وی را نیمه نانی دادی که بدان سبب این مرد تو را طلاق داد من بودم درویش و محتاج خلق بودم اما سخاوت من و بخشنده بودم حق تعالی به سبب جوانمردی مرا توانگر گردانید و او را به سبب بخل درویش و فقیر گردانید و دین و دنیایش تباه گردید. (عارفیان مقدم، داستان عارفان، ص ۲۳۲)

این گونه است که انسان بخیل نه تنها دین خود را از دست داده زیرا بخل از عواملی است که خداوند به شدت از آن بیزاری جست بلکه دنیا و زن و زندگی خود را نیز از دست خواهد داد.

## ۲- انفاق:

بخل که مانع انجام تعهدات مالی انسان در مقابل خداوند می‌شود سبب دوگانگی شخصیت شده و در نهایت به نفاق می‌انجامد (هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۷، ص ۲۰۶) قرآن کریم به کسانی اشاره می‌کند که عهد کرده بودند در صورت برخورداری از فضل خدا حقوق آن را ادا کنند ولی آنان به رغم این پیمان، عهد شکنی کرده از پرداخت زکات و حقوق واجب اموال خود سر باز زنند این پیمان شکنی و بخل ورزی آنان را گرفتار نفاقی مزن و ابدی تا روز قیامت کرد. (طبری، جامع البیان، ج ۱۴، ص ۳۶۹، ۳۷۰)

## ۳- در بند کشیدن با غل و زنجیر و دوزخی شدن

در آیاتی دیگر از قرآن مجازات بخیلانی که هرگز کسی را به طعام فقری تشویق نکرده‌اند بند کشیده شدن با غل و زنجیر در میان دوزخ معرفی شده است آنان بدون یار و یاور مانده غذایشان غسلین چرک و خون اهل آتش است. (طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ص ۱۱۱)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می‌فرمایند: «انسان بخیل هم از خدا هم از مردم هم از بهشت دور بوده و آن جایی که به آن نزدیک است آتش جهنم است». (مجلسی، بحار الانوار، ص ۳۵۴)

«روایتی گفته خواهد شد که در آن به خوبی روشن می‌شود که به چه میزان خداوند بزرگ و پیامبر از انسان بخیل بیزاری جسته و عواقب این انسان‌ها را مشخص می‌کند. که عاقبتی جز جهنم در انتظار آنها نخواهد بود.» روزی پیامبر مردی را دید که ده کعبه را گرفته و می‌گوید: خدایا به حرمت این خانه گناه مرا بیامرزد حضرت فرمود: بگو ببینم چه گناهی کرده‌ای؟ حضرت فرمود: گناه تو بزرگتر است یا زمین؟ گفت: گناه من. حضرت فرمود: گناه تو بزرگتر است یا کوه‌ها؟ مرد گفت: گناه من. حضرت فرمود: گناه تو اعظم است یا عرش؟ گفت: گناه من. حضرت فرمود: گناه تو اعظم است یا خدا؟ گفت: خدا اعظم و اعلی و اجل است.

پس حضرت فرمودند: بگو گناه خود را. عرض کرد: یا رسول الله من مرد صاحب ثروتم و هر وقت فقری رو به من می‌آید که از من چیزی بخواهد گویا شعله آتش رو به من می‌آورد. حضرت فرمود: دور شو از من و مرا با آتش خود مسوزان قسم به آن خدایی که مرا به هدایت و کرامت برانگیخته است که اگر میان رکن و مقام بایستی و دو هزار سال نماز کنی و این اینقدر گریه کنی که نهرها از آب چشم تو جاری شود و درختان سیراب گردند عبیدی و بخیل باشی خدا تو را سرنگون به جهنم می‌افکند. (نراقی، معراج السعاده، ص ۲۲۸)

#### ۴- از دست دادن دوست:

امیرالمومنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند: اگر بخیل زمان کوتاهی دوستانی داشته باشد بخل او سبب ذلت دوستان و عزت دشمنان می‌شود. (خوانساری، شرح فارسی غرالحکم، ج ۲ ص ۱۳۰)

«در دوستی و رفاقت گاهی گذشتن از مال در موقعی که دوست نیاز به کمک دارد لازم است که بخیل این خصلت را ندارد همین باعث می‌شود دوستی نداشته باشد و یا اگر دوستانی هم داشته باشند به مرور با دیدن خواهد شد و دیگر دوستی نخواهد داشت.»

#### ۵- نفع نبردن از مال:

« بخل همان طور از خیر رساندن و انفاق به دیگران منع می‌کند به خودش نیز بخل می‌ورزد و سودی از اموال و دارایی‌هایی خود نمی‌برد و فقط پول روی پول می‌گذارد و جمع می‌کند و نمی‌بخشد تا زمانی که مرگش فرا می‌رسد اموالش بین وارثان تقسیم می‌شود.» امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «بخیل خزانه‌دار ورثه خویش است و ارثانی که گاه یک درهم از اموال او را رایش انفاق نمی‌کنند.» (همان، ص ۲۷)

خداوند در قرآن می فرمایند: «...در جهنم همه چیز را فرا گرفته و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند و زکات بپردازند و آنها که به آیات ما ایمان بیاورند مقرر خواهم داشت.» (اعراف، ۱۵۶)

«در این آیه منظور از زکات همان انفاق است که باعث جلب رحمت خداوند بزرگ می شود.»

## ۸\_ رفع فقر

از امام صادق (ع) روایت شده است که: «شخصی به نزد آن حضرت آمد و از اوضاع مالی خود به ایشان شکایت کرد امام (ع) در اینجا دستور عملی به او داد و فرمودند: وقتی به کوفه برگشته از منزل خود را به ده دل هم بفروش و برادران خود را دعوت کن و برایشان غذایی تهیه نما و که از خدا برایت بخواهند که مشکلاتت برطرف شوند آن شخص به فرمایش آن حضرت عمل کرد. و پس از مدت کوتاهی اوضاعش خوب شد.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۵۱۳)

«پس انفاق کردن حتی زمان تنگدستی خود نیز می تواند باعث افزایش رزق و روزی شود.»

## ۹\_ انفاق عامل صفای قلب

پرداخت انفاق شخص منفق را به نیازمندان نزدیک می کند تا حدی که خود را از آنها به همراه و یاورشان می بیند که این خود بر صفای قلب می افزاید؛ انفاق موجب پاک شدن انسان از صفت بخل و طمع می شود؛ بی گمان انفاقی که انسان مسلمان به خاطر اجرای دستورات خدا و کسب رضوان الهی پرداخت می شود موجب پاک شدن پلیدی های وی از گناهان به ویژه پلیدی بخل و طمع ورزی می شود، چرا که بخل و طمع ورزی آفت خطرناکی است که اگر مهار نشود، بنیان خود و جامعه را از هم می پاشد. بنابراین مسلمان واقعی باید به هر طریق ممکن این صفت ناپسند را از خود دور سازد. پرداخت زکات یکی از راه های مناسبی است که انسان را از بخل و حرص پاک می کند و او را از خواری و دلبستگی به مال و ذلت بندگی و فروتنی برای درهم و دینار آزاد می سازد و او را مالک ثروت می گرداند نه برده آن. (سعیدی، تحلیلی در فلسفه احکام اسلامی، ص ۱۸۱)

## ۱۰\_ انفاق معامله ای با خدا

امام صادق (ع) همراه با جمعی که دارای اموالی بودند در راه بود، خبر دادند در این مسیر یک دزدانی هستند که راه را بر مردم گرفته و اموال آنان را به غارت می برند، بدن کاروان از وحشت به لرزه در آمد. حضرت فرمودند: شما را چه شده؟ گفتند اموالی با ماست که از غارت شدن آن توسط دزدان راه می ترسیدیم، آیا آن اموال به عنوان اینکه از شماست از ما قبول می کنی؟ باشد که دزدان راه اگر آن را در اختیار شما ببینند گذشت کرده و واگذارند، حضرت فرمودند: چه می دانید شاید دزدان جز مرا قصد نداشته باشند، شاید آنها را برای تلف

شدن در اختیار من بگذارید ، گفتند گویی چه کنیم آیا اموالمان را از زیر خاک پنهان کنیم؟ فرمودند: نه چرا که دفن آن سبب ضایع شدن هاست ، شاید بیگانه ای یا غریبی به آن دستبرد بزند یا ممکن است بعد از این به آن دست نیابند و محل آن را گم کنید ، گفتند چه کنیم؟

حضرت فرمود: آن را نزد کسی به امانت بگذارید که حفظش کند و از آن جانبداری نموده و به آن بیفزاید ، و یک درهم از آن را از دنیا و آنچه که در آن است بزرگتر نماید ، پس آن را به شما بازگرداند و بر شما بیش از آنچه که نیازمندید کامل و تمام نماید ، گفتند: چنین امانت داری کیست؟ فرمودند: پروردگار عالمیان. عرضه داشتند: چگونه نزد او امانت بگذاریم؟ فرمودند: به ناتوانان از مسلمانان صدقه دهید گفتند: در این بیابان چنین افرادی وجود ندارد تا ما به آنان صدقه بدهیم ، فرمودند: ثلث مال خود را تصمیم بگیرید در راه حق انفاق کنید تا خداوند بانی آن را از بلایی که از جانب دزدان می ترسید به سر شما آید حفظ کند، گفتند:تصمیم گرفتیم حضرت فرمود: پس همه شما در امان خدا هستید راه را ادامه دهید. حرکت خود را ادامه دادند ، سر و کله دزدان پیدا شد حضرت فرمودند :چرا می ترسید؟ در امان خدا هستید دزدان جلو آمدند و پیاده شدند دست امام صادق (علیه السلام) را بوسیدند و گفتند: دیشب در عالم خواب رسول خدا(ص) را دیدیم ، به ما امر فرمودند: خود را به حضرت شما عرضه کنیم. اکنون در اختیار شما بر این کاروانیم تا دشمنان و دزدان راه را از آنان رفع کنیم ، فرمودند: نیازی به شما نیست کسی که شما را از ما دفع کرد دشمنان و دزدان راه را از ما دفع کرد می کند. کاروان سالم بیابان را پشت سر گذاشت ثلث مال خود را به ناتوانان صدقه دادند ، تجارتشان برکت گرفت و هر دره‌می ده درهم به دست آوردند ، گفتند: برکت وجود حضرت صادق(ع)چه اندازه عظیم و بزرگ بود. حضرت فرمودند: برکت معامله با خدا را شناختید بر آن مداومت کنید. (صدوق،عیون اخبارالرضا،ص ۹۱)

## نتیجه گیری

پس می توان گفت بخل یکی از صفات اخلاقی ناپسند است که اسلام بشریت را از آن منع کرده چون عامل شقاوت انسان در دنیا و آخرت است که از جمله عواقب شوم آن این است که دین و دنیای آدمی را نابود می کند. عامل نفاق بین انسان ها می شود و او را دوزخی می کند و موجب تنها شدن و از دست دادن دوستان می گردد و بخل باعث این است که شخص زندگی فقیرانه داشته باشد و از مال خود سودی نبرد و رابطه خود با خدا را از دست بدهد و در زمره نافرمانان به خدا قرار بگیرد و نیز آبروی خود را از دست بدهد و اینگونه است که بخیل بیش از همه به خود خسارت می زند. ولی در مقابل انفاق از جمله اموری است که اسلام به آن توصیه بسیار فرموده و از امور سرنوشت ساز است که موجب عاقبت به خیری انسان در هر دو جهان می شود. از جمله تاثیرات انفاق آرامش روحی فرد هنگام انفاق است که برکت مال او زیاد و گناهانش بخشیده می شود و از مرگ بد و بلاها به دور و عمری طولانی خواهد داشت و مریضی را شفا و فقر را از انسان دور و مایه جلب رحمت الهی می شود و باعث صفای قلب است زیرا انفاق معامله ای با خداست و کیست که از معامله با پروردگار جهانیان زیان ببیند.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

#### الف) کتب فارسی

- ۱- خوانساری ، محمد بن حسین ، شرح فارسی غررالحکم ، تهران، دانشگاه تهران ، ۱۳۶۶ش
- ۲- سجادی ، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی ، تهران ، ۱۳۷۳ش
- ۳- سعیدی ، محمد صالح ، تحلیلی در فلسفه احکام اسلامی ، بی جا ، آراس ، ۱۳۹۲ش
- ۴- طیب ، عبدالحسین ، اطیب البیان فی تفسیر القرآن ، تهران ، انتشارات اسلام ، ۱۳۷۸ش
- ۵- عارفیان ، محمد تقی ، مقدم ، کاظم ، داستان عارفان ، بی جا ، لوح نشر، ۱۳۷۹ش
- ۶- مجتبوی ، جلال الدین ، ترجمه جامع السعادت ، بی جا ، حکمت ، ۱۳۷۹ش
- ۷- مطهری ، مرتضی ، مجموعه آثار شهید مطهری ، تهران ، صدرا ، بی تا
- ۸- مکارم شیرازی ، ناصر، تفسیر نمونه ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، بی تا
- ۹- میبیدی ، احمد بن محمد ، کشف الاسرار وعده الابرار ، تهران ، امیرکبیر، ۱۳۷۱ش
- ۱۰- نراقی ، احمد ، معراج السعاده ، تهران ، جمال ، ۱۳۸۸ش
- ۱۱- هاشمی رفسنجانی ، علی اکبر ، تفسیر راهنما ، قم ، بوستان کتاب ، ۱۳۸۶ش

#### ب) کتب عربی

- ۱۲- ابوالفتح ، عبد الواحد بن محمد ، غررالحکم و دررالحکم ، قم ، دارالکتب الاسلامی ، ۱۴۱۰ق
- ۱۳- حر عاملی ، محمد بن حسن ، وسائل الشیعه ، بی جا ، اسلامیه ، ۱۳۹۲ش
- ۱۴- راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، المفردات فی غریب القرآن ، دمشق ، دارالقرآن ، ۱۴۱۶ق
- ۱۵- شریف رضی ، محمد بن حسین ، نهج البلاغه ، بی جا ، شوکه دارالرقم بن ابی الارقام ، ۱۴۱۹ق
- ۱۶- صدوق ، محمد بن علی ، «عیون الاخبار الرضا»، بی جا ، الاعلمی للمطبوعات ، ۱۴۴ق
- ۱۷- ..... ، «مصادقته الاخوان»، کاظمین ، مکتبه الامام صاحب الزمان العاقله ، ۱۴۰۲ق

- ١٨- طباطبائی ، محمد حسین ، المیزان فی تفسیر القرآن ، بی نا ، ١٣٩٧ ش
- ١٩- طبرسی ، فضل بن حسین ، «مجمع البیان» ، بیروت ، مؤسسه العلمی للمطبوعات ، ١٤١٥ق
- ٢٠- طبری ، محمد بن جریر بن یزید ، «تفسیر الطبری» ، بیروت ، دارالمعرفه ، ١٤١٢ق
- ٢١- طوسی ، محمد بن حسن ، «البیان» ، بیروت ، دارالعیان ، ١٤١٣ق
- ٢٢- عروسی حویزی ، عبد علی ، «تفسیر نورالثقلین» ، قم ، نوید اسلام ، ١٣٨٩ش
- ٢٣- مجلسی ، محمد باقر ، «بحارالانوار» ، تهران ، اسلامیہ ، ١٣٨٦ش
- ٢٤- مقریزی ، احمد بن علی ، «امتاع الاسماع» ، بیروت ، دارالکتب العلمیہ ، ١٤٢٠ش